

واکاوی حسن نیت در مستندات قرآنی - روایی و مصادیق آن در حقوق ایران

محمد مهدی کریمی نیا^۱، علیرضا شجاعی^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳، سعید حبوباتی^۴

^۱ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، جامعه المصطفی (ص) العالمیه

^۳ دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، پژوهشگر و مدرس دانشگاه

^۴ کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

چکیده

از آن جای که اصل حسن نیت ریشه در فطرت هر انسان دارد، نمی تواند در رفتار های اجتماعی از جمله در اعمال حقوقی نقشی نداشته باشد، عدم توجه به این امر مهم می تواند به نتایجی غیر عادلانه که بر خلاف اهداف حقوق می باشد منتهی شود، هر چند قانون گذاران در وضع قوانین در راستای انتظام بخشی رفتار های انسان به هدف رسیدن به عدالت تلاش کرده و باید و نباید های بر رفتار های انسان تحمیل کنند اما باز هم وضع قوانین به تنهای کافی نخواهد بود که تمامی رفتار های انسان را مدیریت کرده و مانع از رفتار غیر منصفانه آنها شده و جلوی سوئی استفاده و رفتار های مخالف اخلاق حسنه را بگیرد، بنا بر این اصل حسن نیت می تواند به عنوان یک قاعده نامرئی خلا های قانونی موجود در یک نظام حقوقی را جبران کند، در نظام حقوقی ایران هر چند به صورت مستقل به این اصل به عنوان یک مبنا و اصل توجه نشده است ولی مصادیق آن در قوانین متعددی مثل قانون مدنی، قانون بیمه، قانون ثبت شرکت ها و قانون تجارت مورد اهتمام قرار گرفته است که می شود گفت که حسن نیت به صورت غیر رسمی در حقوق ایران به عنوان یک اصل پذیرفته شده است، چنانچه امروزه مراجع قضائی در صدور احکام به این اصل بعنوان اماره قضائی و قانونی استناد می کنند.

واژه های کلیدی: حقوق ایران، حسن نیت، عدالت، انصاف، اخلاق حسنه

مقدمه:

تحقیقات و بررسی‌ها نشان می‌دهد که پیشینه قاعده حسن نیت، به نظام حقوقی کامن لا و رومی جرمنی بر می‌گردد، در این دو نظام حقوقی قاعده حسن نیت به عنوان یک اصل و مبنای مهم در وضعیت حقوقی، حقوق قراردادها را مورد توجه قرار داده است، ولی در نظام حقوقی ایران در نگاه اندیشمندان حقوقی رعایت حسن نیت به عنوان یک اصل و قاعده مورد عنایت و توجه نبوده است و می‌شود گفت که جای اصل حسن نیت به عنوان یک اصل و قاعده مستقل که حتماً باید در اعمال حقوقی وجود داشته باشد، در نظام حقوقی ایران خالی بوده و به ندرت در منابع حقوقی مورد استفاده قرار گرفته است، این نکته باعث نمی‌شود که گفته شود نظام حقوقی ایران نسبت به موضوع حسن نیت در رفتارهای اجتماعی از جمله اعمال‌های حقوقی بی‌توجه بوده است، هر چند قانون‌گذار از این اصل به عنوان یک قاعده مستقل یاد نکرده است، ولی روح و مفاد آن به شیوه‌های متفاوت در منابع فقهی و حقوقی مورد عنایت و توجه قرار گرفته است، به گونه‌ای که در بسیاری از موارد شارع مقدس و قانون‌گذار از رفتارهای بر خلاف حسن نیت، منع کرده و برای رفتارهای غیر منصفانه احکام و ضمانت اجرای در نظر گرفته شده است، به این صورت که قانون‌گذار قراردادهای غیر منصفانه را فاقد ضمانت اجرا تلقی کرده است، بنا بر این در تحقیق مورد نظر سعی شده است که مصادیق حسن نیت به عنوان یک اصل اخلاقی که ریشه در وجدان و فطرت انسان‌ها دارد در نظام حقوقی ایران مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۱. مفهوم شناسی

حسن نیت که از اصول مهم اخلاقی است، تمام اعمال حقوقی و رفتارهای اجتماعی انسان را تحت پوشش قرار داده و منشأ فطری و وجدانی دارد؛ این اصل، امروزه در اکثر نظام‌های حقوقی مورد توجه بوده و از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌باشد. اصلی که همگام با تحولات تکاملی در عرصه‌ی اقتصاد در روابط تجاری به وجود آمد و کم‌کم تبدیل به یک مبنا در جهت صحت و بطلان قرارداد گردید (کاظم پور، ۱۳۹۲ش، ص ۱۹۷). به خاطر اهمیت اصل مذکور، ابتدا مفهوم آن را بررسی و سپس به مباحث اصلی آن می‌پردازیم.

۱-۲. مفهوم حسن نیت

حسن نیت در لغت به معنای «نیک بودن یا نیکی در نیت و رفتار از روی عدل و انصاف یا راستی و صداقت است که در مقابل سوء نیت و رفتار ظالمانه قرار دارد» (معین ۱۴۰۹ق، ص ۱۳۵). و در اصطلاح برخی معتقد است که حسن نیت را نمی‌شود تعریف کرد؛ زیرا این اصطلاح مثل واژه‌ی حقوق از مفاهیم ذهنی و تجربه‌ناپذیر است (علیزاده، ۱۳۸۴، صص ۹۹-۱۰۰). اما برخی دیگر که در اکثریت قرار دارند آن را قابل تعریف لفظی دانسته‌اند؛ (جعفر لنگرودی، ۱۳۷۸ش، ص ۲۱۵) این گروه، در تعریف حسن نیت نوشته‌اند: «کسی که به عمل حقوقی یا عمل مادی که منشأ اثر یا آثار حقوقی دارد اقدام می‌کند و به صحت عمل خود اعتقاد دارد، این اعتقاد او حسن نیت است» (جعفر لنگرودی، ۱۳۷۸ش، ص ۲۰۰). به عبارت دیگر، حسن نیت عبارت است: «از باور درست و بدون تقصیر به وجود یا عدم یک واقعه، یک حق یا یک قاعده‌ی حقوقی» (صفایی و دیگران، ۱۳۸۴ش، ص ۴۶) بعضی نیز عقیده دارند که: «قاعده حسن نیت مفهومی است که به مقصد باز داشتن یک شخص از سوء استفاده از جانب دیگری قرار داد به کار می‌رود.» حقوق‌دانان افغانستان در تعریف آن نوشته‌اند که: «حسن نیت وضعیت ذهنی است که شامل صداقت در هدف، وفا داری در ارتباط به تعهد و وجیبه، رعایت معیارهای مناسب تجاری و انصاف در معاملات و فعالیت‌های تجاری مشخص، نبود قصد فریب یا انتفاع غیر آگاهانه می‌شود» (پروژه تعلیمات حقوقی افغانستان، ص ۸۴). و در نهایت، برخی از محققان باورمندند که اصطلاح حسن نیت معنای مشخصی ندارد اما جستجوی موارد عدالت و انصاف به قضاوت

و حکم آنان صلاحیتی را فراهم می‌سازد تا بتوانند احکام‌شان را مستند سازی نمایند. بنابراین، حسن نیت نقش پرکننده‌ی خلأهای قانونی یا پیچیدگی آن را بازی می‌کند (همان، ص ۱۶۴).

۲. مستندات حسن نیت

بی‌تردید، اسلام از سایر ادیان در ارزش‌گذاری به اصل حسن نیت و نقش آن در سالم سازی رفتارهای اجتماعی پیش‌گام بوده است؛ به گونه‌ی که ملاک و معیار ارزش واقعی رفتارهای انسان را به نیت خیر و نیکوی او میداند: «**أَنَّ مَالَ الْعَمَلِ بِالنِّيَّاتِ وَ لِكُلِّ أَمْرٍ مَا نَوَى**» (جعفر بن محمد، بی تا، ص ۱۸) و از آنجای که قبل از هرچیز، اصل حسن نیت ریشه در وجدان و فطرت انسان‌ها دارد، هر انسانی ضرورت آن را در حوزه‌های مختلف رفتار اجتماعی درک کرده و از رفتارهای منطبق با آن حمایت می‌کند. اصلی که از قدیم در حقوق اکثر کشورها مطرح بوده و افراد جامعه، نه به حکم قانون که بر اساس اهمیت اخلاق حسنه و حکم وجدان، خودشان را ملزم به رعایت آن می‌دانند (انصاری، ۱۳۸۸ش، ص ۴۴). به هر حال دلایل زیر می‌تواند مستند این اصل باشد.

۲-۱. دلیل قرآنی

در آیات قرآن تأکید شده است که اموال هم‌دیگر را بدون استفاده از وسایل انتقال مالکیت و رضایت مالکان آن مورد تصرف قرار ندهید: «**لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ**» (بقره/ ۱۸۸) و کم فروشان را نیز مورد مذمت قرار داده است: «**وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ**» (مطففین/ ۱) آیات فوق، بر ضرورت رعایت اصل حسن نیت در حوزه‌ی معاملات دلالت روشن دارد. زیرا احترام به حقوق مالی دیگران و رعایت انصاف در قراردادها، مستلزم رعایت حسن نیت در حوزه‌ی حقوق قراردادها می‌باشد. سوء استفاده از وضعیت اضطراری افراد ضعیف جامعه که در غیر اخلاقی بودن آن تردیدی وجود ندارد، با اصل حسن نیت در تضاد کامل قرارداد، لذا نمی‌توان اکل مال به باطل را به دلیل ظالمانه بودن آن حرام و باطل دانست اما سوء استفاده از اضطرار و درماندگی دیگران را صحیح و عادلانه پنداشت (کاظم پور، پیشین، ص ۲۱۰). اهمیت این اصل در حقوق قراردادها به اندازه‌ی اساسی و مهم است که تمام حقوق‌دانان از رعایت آن در قراردادها حمایت نموده و نظام‌های حقوقی، ناگزیر از احترام به آن است و این بدان جهت است که روابط اجتماعی بر اساس صحت و درستی بنا نهاده شده و حسن نیت این امر مهم را تأمین نموده و اعتماد متقابل افراد جامعه را استحکام و انسجام می‌بخشد (محسنی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۶).

۲-۲. ادله روایی

پیامبر اکرم (ص) به زن عطر فروشی به نام زینب فرمود: «**إِذَا بَعْتَ فَاحِشَنِي وَ لَا تَغَشِّيَ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۵۰)**؛ در معاملات حسن نیت را رعایت نموده و تقلب نکن.» لزوم رعایت صداقت و دوری از هر نوع فریب کاری و سوء استفاده (حسن نیت) مورد تأکید روایت فوق می‌باشد. به عبارت دیگر، روایت یاد شده اصل حسن نیت را به عنوان شرط ضمنی و مفروغ عنه در قراردادها دانسته و رعایت آن را امر لازم و ضروری می‌داند. امام صادق (ع) نیز فرموده است: «**غِبْنَ الْمُسْتَرْسِلَ سُحْتٍ وَ غِبْنَ الْمُؤْمِنَ حَرَامٍ** (همان، ص ۱۵۳)؛ فریب کسی که به انسان اعتماد کرده حرام است.» گرچند این روایت اختصاص به حوزه‌ی قراردادها ندارد، اما عموم آن قراردادها را نیز شامل شده و رعایت حسن نیت، رفتار عادلانه و منصفانه را برای دو طرف قرار داد لازم می‌شمارد.

۲-۳. قاعده فقهی (لاضرر)

علاوه بر ادله قرآنی و روایی، قواعد فقهی نیز بر لزوم رعایت حسن نیت در قراردادهای تأکید دارد؛ یکی از قواعد فقهی مهم در این زمینه، قاعدهی لاضرر می‌باشد. براساس این قاعده افراد جامعه مکلفند که در روابط اجتماعی اصل حسن نیت را رعایت نموده و روابط اقتصادی‌شان را بر اساس آن به خوبی و صحت تنظیم نمایند (کاظم پور، پیشین، ص ۲۰۱). روزی پیامبر اکرم از کنار تاجران گذر نمود و به آن‌ها فرمودند: «آگاه باشید که من شما را تاجر می‌نامم و تاجران، فاجر و در آتش هستند، تاجران پس از شنیدن این سخن و از فردای آن روز کسب و کار را تعطیل نمودند. پیامبر اکرم (ص) نیز پس از دیدن چنین صحنه‌ی سخن دیروزش را تکرار نموده فرمود هر کس حق خود را بگیرد و حق دیگران را منصفانه به آنان بدهد از جهنمیان نخواهد بود» (حکمی، بی تا، ج ۵، ص ۵۷۲).

۳. مصادیق حسن نیت در قوانین موضوعه

قوانین موضوعه ایران به صورت صریح و یا ضمنی به اصل حسن نیت اشاره کرده است که در این گفتار به بحث و بررسی گرفته می‌شود.

۳-۱. قانون مدنی

۳-۱-۱. منع از تدلیس در رفتار معاملاتی

یکی از مصادیق اصل حسن نیت منع از تدلیس است قانون مدنی در مواد متعددی ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، بر منع تدلیس و لزوم حسن نیت و رعایت آن در رفتارهای معاملاتی تأکید کرده است، در ماده ۴۳۹، آمده است «اگر بایع تدلیس نموده باشد مشتری حق فسخ بیع را خواهد داشت و هم چنین است بایع نسبت به ثمن، در صورت تدلیس مشتری» تدلیس و فریب در عقد بیع به این معناست که بایع و فروشنده عیب موجود در مبیع را پنهان کرده و به اطلاع مشتری نمی‌رساند، این امر مبتنی بر سوء نیت می‌باشد که شارع مقدس از چنین عملیات فریبکارانه که موجب اضرار طرف مقابل می‌شود منع کرده است و قانون‌گذار ایران، خسارت ناشی از تدلیس را با حق خیار فسخ قابل جبران دانسته است و می‌توان گفت مبنای این حق «خیار فسخ» عدم رعایت حسن نیت است به عنوان یک تعهد ضمنی در رفتار معاملاتی می‌باشد. ماده ۴۳۸ ق م تدلیس را این گونه تعریف کرده است، «تدلیس عبارت است از عملیات که موجب فریب طرف معامله شود» این عمل «تدلیس» ممکن است ناشی از فعل یا گفتار باشد و حتی در برخی موارد با توجه به اوضاع و احوال سکوت نیز می‌تواند تدلیس محسوب شود. به موجب مواد فوق طرفی که با توجه بر اثر تدلیس وارد معامله شده و متضرر می‌شود، می‌تواند قرارداد را فسخ نماید.

۳-۱-۲. منع از خرید مال غصبی

فقها و حقوق دانان از نقش حسن نیت در حقوق قراردادهای سخن گفته‌اند، مثلاً در خصوص مشتری که جاهل به مغضوبه بودن مبیع است با صورت که عالم به آن است تفاوت قایل شده‌اند که این امر حکایت از نقش حسن نیت در انعقاد قراردادها دارد.

طبق نظر مشهور فقها، چنانچه خریدار نسبت به مال غصبی جاهل باشد می‌تواند علاوه بر ثمن، خسارت‌های خود را از بایع غاصب، مطالبه نماید، ولی در صورت که عالم به غصب بوده و می‌داند که معامله فضولی است، در این صورت فقط حق دارد که ثمن را مطالبه نماید. مبنای این حکم لزوم حمایت از خریدار است که با حسن نیت اقدام به خرید مال کرده است، به موجب ماده ۳۱۸ ق م، مبنی بر مسئولیت غاصب به استرداد مال غصب شده، باید بیان داشت که بایع فضولی مکلف است عین یا بدل

ثمن را در صورت که تلف شده باشد، به مشتری بر گرداند، متن ماده فوق بدین صورت است «هر گاه مالک رجوع کند به غاصبی که مال در ید او تلف شده است آن شخص حق رجوع به غاصب دیگر را ندارد ولی اگر به غاصب دیگری به غیر آن کسی که مال در ید او تلف شده است رجوع نماید مشارالیه نیز می تواند به کسی که مال در ید او تلف شده است رجوع کند و یا به یکی از لاحقین خود رجوع کند تا منتهی شود به کسی که مال در ید او تلف شده است و به طور کلی ضمان بر عهده کسی مستقر است که مال مغضوب در نزد او تلف شده است» ماده ۳۲۵ همین قانون بیان می کند «اگر مشتری جاهل به غصب بوده و مالک رجوع به او نموده باشد، او نیز می تواند نسبت به ثمن و خسارت به بایع رجوع کند، اگر چه مبیع نزد خود مشتری تلف شده باشد» مطالبه خسارت از فروشنده بر اساس این ماده حکایت از لزوم حسن نیت و تأثیر آن در معاملات دارد، نکته ای دیگر این که سوء نیت خریدار از عوامل افزایش مسئولیت دانسته شده است، در ماده ۳۲۶ ق م، مقرر شده است «اگر عوضی که مشتری عالم بر غصب، در صورت تلف مبیع به مالک داده است، زیاد بر مقدار ثمن باشد، به مقدار زیادی نمی تواند رجوع به بایع کند ولی نسبت به مقدار ثمن حق رجوع دارد» عدم امکان مطالبه مازاد بر ثمن، از آثار و نتایج عدم حسن نیت و داشتن سوء نیت است، همین موضوع در ماده ۳۹۱ ق م، مورد توجه قانون گذار بوده است، در ماده مذکور آمده است «در صورت مستحق للغیر بر آمدن کل یا بعض از مبیع، بایع باید ثمن مبیع را مسترد نماید و در صورت جهل مشتری به وجودفساد، بایع باید از عهده غرامات وارده بر مشتری نیز بر آید» به موجب این ماده، مشتری مالک مبیع مستحق للغیر نمی شود و فرق آن با مشتری بدون حسن نیت در اخذ غرامت است.

برخی از حقوق دانان معتقدند که مواد ۲۲۰ و ۲۲۵ ق م، با محتوای یکسان و هماهنگ که دارند در مقام بیان یک حقیقت و واقعیت بوده و رعایت حسن نیت را در اجرای عقود تضمین می کنند (صاحبی مهدی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۴).

۳-۱-۳. فرض قانونی حسن نیت

نکته ای مهم که باید مورد توجه قرار گیرد این است، که در برخی موارد ممکن است که شارع مقدس و یا قانون گذار به دلیل وجود مصالحی، فردی را دارایی حسن نیت و یا سوء نیت فرض کرده و امکان اثبات خلاف را ندهد، مثلاً در ماده ۶۴۴ ق م، این طور مقرر شده است، «در عاریه طلا و نقره اعم از مسکوک و غیر مسکوک مستعیر ضامن است هر چند شرط ضمان نشده و تفریط یا تعدی هم نکرده باشد» آنچه از این ماده استنباط می شود این است که قانون گذار در این مورد سوء نیت را برای شخص مستعیر مفروض دانسته است و هم چنین قانونگذار در ماده ۶۱۴ ق م، که از فقه استفاده شده است مقرر می دارد «امین ضامن تلف یا نقصان مالی که به او سپرده شده است، نمی باشد، مگر در صورت تعدی یا تفریط» یا ماده ۹۷۵ ق م، قرارداد های که بر خلاف اخلاق حسنه باشد را فاقد اعتبار دانسته است، بدون تردید در این مواد وجود حسن نیت به عنوان یک اماره قانونی پذیرفته شده است. بر اساس حدیث رفع یکی از اسباب رفع مسئولیت جهل است، در بحث مالکیت، متصرف دارای حسن نیت به کسی اطلاق می شود که نسبت به عیب و مانع حقوقی جاهل است، ولی در اثر جهل و یا اعتماد به ظاهر در مال غیر تصرف می کند، و بعداً کشف می شود که در مال غیر تصرف کرده است، در این صورت ضامن و مسئول دانستن شخص جاهل در برابر حوادث قهری، قبیح است (جعفری لنگرودی، حقوق اموال، ص ۱۵۳).

۳-۱-۴. اماره قضایی بودن حسن نیت

در برخی موارد دیده می شود که حسن نیت به عنوان اماره قضایی مورد استناد قرار گرفته است، مثلاً در مورد که اگر قاضی نتواند محسن یا غیر محسن بودن فردی، که عملی مفیدی را انجام داده است، ولی اتفاقاً موجب ضرر به غیر شده است را احراز

کند و در این مورد دچار شک و تردید شود، می تواند وضعیت غالب افرادی از این صنف را حسب مورد اماره قضایی حسن نیت قرار دهد، مثلا والدین و معلمان که نوعا نسبت به فرزندان و شاگردان حسن نیت دارند (دیلمی، بی تا، ص ۹۸).

۳-۱-۵. خیار تأخیر ثمن

یکی از مصادیق حسن نیت که در قانون مدنی به آن اشاره شده است خیار تأخیر ثمن می باشد به این صورت که بایع به دلیل تأخیر مشتری در پرداخت ثمن می تواند قرارداد را فسخ کند، در ماده ۴۰۲ ق م، مقرر شده است «هر گاه مبیع عین خارجی یا در حکم آن بوده و برای تأدیه ثمن یا تسلیم مبیع بین متبایعین اجلی معین نشده باشد، اگر سه روز از تاریخ بیع بگذرد و در این مدت نه بایع مبیع را تسلیم مشتری نماید و نه مشتری تمام ثمن را به بایع بدهد، بایع مختار در فسخ معامله می شود» در فرض که خریدار و فروشنده از اجرای تعهد سرباز می زنند، بایع در وضع خطر ناک قرار گرفته و ادامه تعهد، عادلانه به نظر نمی رسد، زیرا خریدار در عین حال که مالک منافع می شود؛ در صورت تلف مبیع از پرداخت ثمن نیز معاف خواهد بود و در مقابل ضمان معاوضی بر عهده فروشنده باقی مانده و او با تلف مبیع نه تنها مال خود را از دست می دهد و نمی تواند عوض دریافت کند، باید نساء مبیع را به مشتری بدهد (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۱۰۱). بنا بر این انصاف و حسن نیت نسبت به بایع چنین حکم می کند، که در صورت وجود شرایط قانونی حق خیار فسخ تأخیر ثمن به بایع داده شود.

۳-۲. ماده ۴۰ قانون دریایی

فرمانده کشتی به نمایندگی از طرف مالک کشتی در حدود اختیارات که دارد می تواند برای تأمین احتیاجات واقعی از نظر حفظ کشتی یا امکان ادامه سفر، قراردادهایی را منعقد کند، مطالبات ناشی از قرارداد که فرمانده کشتی با اشخاص ثالث منعقد می کند، حق ممتاز محسوب می شود، با وجود این مطابق بند ۵ ماده ۲۹ قانون دریایی مصوب ۱۳۴۳ ش، اگر اشخاص ثالث آگاه باشند، و یا با دقت معمولی بتواند اطلاع حاصل کنند، که انجام نوع اعمال حقوقی در حدود اختیار فرمانده کشتی نیست و وی مجاز به اقدام نبوده است، مطالبات آنها حق ممتاز محسوب نمی شود، قانونگذار در ماده ۴۰ همین قانون به صراحت از مفهوم حسن نیت استفاده کرده و با مفروض دانستن حسن نیت اشخاص، یکی از مصادیق تعمیم نیافتن مقررات فصل دوم قانون دریایی به سایر موارد را حسن نیت نداشتن طلب کاران اعلام کرده است، در ماده فوق آمده است «مقررات ماده مذکور در این فصل در مورد کشتیهایی که توسط شخصی غیر از مالک اداره و بهره برداری شده و یا وسیله مستأجر اصلی مورد بهره برداری قرار گیرد نیز لازم الاجرا است به استثنای مواردی که از مالک به طور غیر قانونی خلع ید شده و یا طلبکار حسن نیت نداشته باشد» در قانون جدید دریای مصوب ۱۳۹۱ ش، نیز در ماده ۹۶، به صراحت به اصل حسن نیت اشاره شده است، به موجب این ماده قانونی، فرمانده کشتی در صورت غیاب مالک، نماینده قانونی وی محسوب شده است که در حدود اختیارات می تواند اقدامات لازم نسبت به حفظ کشتی و سلامت سفر دریایی و ایجاد محدودیت در این نمایندگی در مقابل اشخاص دیگر که با حسن نیت اقدام نموده اند قابل استناد است.

۳-۳. قانون صدور چک

به موجب ماده قانون صدور چک مصوب ۱۳۴۴ ش، صادر کننده چک باید حسن نیت داشته باشد، ماده فوق مقرر داشته است «در کلیه موارد مذکور در بالا هر گاه صادر کننده چک حسن نیت خود را به اثبات برساند، تعقیب وی متوقف می شود، حسن نیت وقتی ثابت می شود که صادر کننده چک ظرف ۱۰ روز از تاریخ اطلاع از شکایت کیفری وجه آن را نقدا به دارنده چک

بپردازد یا به منظور پرداخت به دارنده چک در صندوق دادگستری تودیع نماید و یا موجبات قابل پرداخت بودن آنرا در بانک محال علیه فراهم ساخته و گواهی بانک را در همان مدت به مرجع رسیدگی تسلیم نماید»

۳-۴. قانون ثبت شرکت ها

به موجب ماده ۷ این ماده قانون هر گونه تغییر نسبت به نمایندگان شرکت و مدیران شعب آن، باید به اداره ثبت اسناد کتبا اعلام شود و تا وقتی که این اطلاع اعلام نشده، اعمال نماینده سابق معتبر است. پس اگر در عمل نماینده یا مدیر شرکت تغییر یابد ولی این تغییر به اداره ثبت شرکت اعلام نگردد، اعمال مدیر سابق در مقابل شرکت قابل استناد است. ماده ۷ قانون ثبت شرکت ها در حمایت از اشخاص ثالث ضمن اعلام اعتبار مدیران قبلی با مفروض دانستن حسن نیت اشخاص، شرط بی اعتباری اعمال مدیران معزول را اثبات آگاهی شخص ثالث از این عزل، اعلام می کند.

۳-۵. قانون بیمه

از جمله عقود که حسن نیت در آن نقش مهمی دارد عقد بیمه است، به همین جهت به «عقد حسن نیت» نیز شهرت پیدا کرده است (کاتوزیان، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۳۳۳) در این قانون به رعایت حسن نیت در تمام مراحل آن تأکید شده است، به موجب ماده ۱۴ این قانون، بیمه گذار در قرارداد بیمه باید با حسن نیت اقدام کند، و الا نخواهد توانست که از بیمه گر حمایت مورد توافق را مطالبه نماید، چنانچه اگر بیمه گذار با سوء نیت اقدام کند و مرتکب تقصیر و تقلب شود، با ضمانت اجرای مانند بطلان قرارداد بیمه و تعلق اقساط به بیمه گر مواجه می شود، ماده ۱۵ همین قانون اعلام می دارد «بیمه گذار باید برای جلوگیری از خسارت، مراقبتی را که عادات هر کس از مال خود می نماید نسبت به موضوع بیمه نیز بنماید و در صورت نزدیک شدن حادثه یا وقوع آن اقداماتی را که برای جلوگیری از سرایت و توسعه خسارت لازم است به عمل آورد، در نخستین زمان ممکن و منتهی در ظرف ۵ روز از تاریخ اطلاع خود از وقوع حادثه بیمه گر را مطلع سازد و الا بیمه گر مسئول نخواهد بود مگر این که بیمه گذار ثابت کند به واسطه حوادثی که خارج از اختیار او بوده است اطلاع به بیمه گر در مدت مقرر برای او مقدور نبوده است» وهم چنین در ماده ۱۶ همین قانون مقرر شده است «هرگاه بیمه گذار در نتیجه عمل خود خطری را که به مناسبت آن، بیمه منعقد شده است تشدید کند یا یکی از کیفیات یا وضعیت موضوع بیمه را به طوری تغییر دهد که اگر وضعیت مزبور قبل از قرارداد موجود بود بیمه گر حاضر برای انعقاد قرارداد با شرایط مذکور در قرارداد نمی گشت، باید بیمه گذار بیمه گر را بلا فاصله از آن مستحضر کند، اگر تشدید خطر یا تغییر وضعیت موضوع بیمه در نتیجه عمل بیمه گذار نباشد مشارالیه باید مراتب را در ظرف ۱۰ روز از تاریخ اطلاع خود رسماً به بیمه گر اعلام کند» بنا بر این به موجب این مواد قانونی حسن نیت تقاضا می کند که بیمه گذار در تمامی مراحل قرارداد، اگر خطری را مشاهده می کند، باید بیمه گر را در جریان قرار دهد. در ضمن ماده ۱۲ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۵ ش، به صراحت به رعایت حسن نیت تأکید کرده و بیمه گذار از اظهار هر گونه کذب منع کرده است و ضمانت اجرای هر گونه نیرنگ و فریب را بطلان عقد بیمه و تعلق حق بیمه به بیمه گر بیان کرده است.

۳-۶. قانون تجارت

قانون تجارت در مواد متعددی به رعایت حسن نیت اشاره کرده است، از جمله آنها مواد ۳۹۷، ۳۹۶ و ۳۹۹ می باشد، در این مواد، حسن نیت به معنای جهل و رفتار صادقانه به کار رفته است، به موجب این مواد اگر اشخاص در قرارداد که با قایم مقام تجاری منعقد می کنند از تحدید اختیارات و یا از دست دادن سمت وی آگاهی نداشته باشند معامله درست و معتبر خواهد بود و یا ماده ۱۵۴ این قانون بیان می کند که هر گاه وجهی بر خلاف حکم فوق تأدیه گردد، شریک با مسئولیت محدود تا معادل

وجه دریافتی مسئول تعهدات شرکت است، مگر در موردی که با حسن نیت و به اعتبار بیلان مرتبی وجهی گرفته شده باشد، بنا بر این اقدام با حسن نیت در این ماده الزامات قانونی را تعدیل می کند،^۱هم چنین در ماده ۳ قانون تجارت الکترونیکی به اصل لزوم حسن نیت اشاره شده است.

۳-۷. حسن نیت در رقابت تجاری

یکی از مهمترین عوامل پیشرفت در عرصه تجارت رقابت تجاری می باشد، البته نه به صورت مطلق بلکه باید این رقابت به صورت مشروع صورت پذیرد، ماده ۸ مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ برخی از رقابت های نامشروع را بیان کرده است، در این ماده قانونی آمده است «کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورد مسئول جبران آن است. شخصی که در اثر انتشارات مزبور یا سایر وسایل مخالف با حسن نیت مشتریانش کم و یا در معرض از بین رفتن باشد، می تواند موقوف شدن عملیات مزبور را خواسته و در صورت اثبات تقصیر، زیان وارده را از وارد کننده مطالبه نماید» قانونگذار ایران در این ماده قانونی واژه حسن نیت را به صراحت به کار برده و به رعایت آن در روابط اقتصادی تجاری تأکید کرده است.

نتیجه گیری

از بررسی ها و تحقیقات انجام شده بدست می آید که در نظام حقوقی ایران توجه کافی به اصل حسن نیت نشده و قانون گذار این اصل را به عنوان یک مبنا در روابط حقوقی به رسمیت نشناخته است، ولی این باعث نمی شود که گفته شود حسن نیت در نظام حقوقی ایران هیچ جایگاه نداشته و در روابط حقوقی افراد فاقد تأثیر است، در قرآن کریم و روایات که دو منبع مهم در نظام حقوقی ایران محسوب می شود، به موضوع حسن نیت به عنوان یک امر مهم در سالم سازی روابط اجتماعی و برقراری عدالت توجه شده است، در آیات و روایات متعددی توصیه و تأکید فراوان به رعایت حسن نیت و دوری از سوئی استفاده شده است، نظام حقوقی ایران که بیشتر مبتنی بر قرآن و روایات است در قوانین متعدد، مصادیق حسن نیت را مشخص کرده است، مثلا در ماده ۴۰ قانون دریایی، قانون ۱۵۴ قانون تجارت، قانون ثبت شرکت، قانون بیمه، قانون صدور چک، به رعایت حسن نیت تأکید شده است. به موجب این مواد قانونی، تمامی تعهدات باید بر اساس حسن نیت اجرا شوند، این همه تأکید بر رعایت حسن نیت در قرآن، روایات و قوانین موضوعه ایران، بدان جهت است که انسان ها به وعده ها و رفتارهای یکدیگر اعتماد دارند و بر اساس آن تصمیم گرفته و اراده می کنند؛ مثلا اگر فروشنده، اقدام به فروش مال غصبی نموده و حسن نیت را در قرارداد رعایت ننماید، قانون از فرد ضعیف حمایت نموده و طرف را ملزم به جبران خسارت می نماید؛ مبنای این ضمانت اجرا، عدم رعایت حسن نیت است. بنا بر این رعایت اصل حسن نیت در انعقاد قراردادها موجب جلوگیری از سوء استفاده های کسانی می شود که می خواهند با سوء استفاده از وضعیت افراد ضعیف سودی بیشتری بدست آورند، از این رو رعایت این اصل نه تنها یک امر عقلی، قرآنی و فطری بوده، بلکه یک تکلیف اجتماعی نیز می باشد، که بر اساس سلامت، اعتماد متقابل و حسن نیت بنا شده است.

منابع و مأخذ

۱. احمد دیلمی، ماهیت و مبنای قاعده حسن نیت و راه های اثبات آن، فصل نامه پژوهشی تطبیقی اسلام و غرب، بی تا، شماره سوم.
۲. جعفر بن محمد، امام ششم(ع) مصباح الشریعه مترجم مصطفوی حسن، ناشر، انجمن حکمت اسلامی و فلسفه ایران، تهران، بی تا.
۳. جعفر، کاظم پور، نفوذنااروا و انعکاس آن در حقوق ایران، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۲.
۴. حسن محسنی، اصل حسن نیت در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی، مجله حقوق تطبیقی، شماره ۱، ۱۳۸۵.
۵. حسین صفایی، مرتضی عادل و...، حقوق بیع بین المللی با مطالعه تطبیقی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، چاپ اول.
۶. ده خدا لغت نامه، ج ۶، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، چاپ اول، ص ۷۸۶۷.
۷. علی انصاری، تئوری حسن نیت در قرار دادها، مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و نظام های حقوقی معاصر، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۸۸، چاپ اول، ص ۴۴.
۸. قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶.
۹. قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲.
۱۰. قانون دریایی مصوب ۱۳۴۳.
۱۱. قانون صدور چک مصوب ۱۳۴۴.
۱۲. کاتوزیان ناصر، درس های از عقود معین، چاپ دوم گنج دانش، ۱۳۷۸.
۱۳. محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، کافی، ج ۵، نشر دار الکتب الاسلامیه، تهران ۱۴۰۷.
۱۴. محمد جعفر لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران، ۱۳۷۸.
۱۵. محمد جعفر لنگرودی، دوره حقوق مدنی، حقوق تعهدات، کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۷۸.
۱۶. محمد رضا حکمی، الحیاه، نشر، ج ۵، دفتر نشر فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، بی تا.
۱۷. محمد معین، فرهنگ معین، ج ۱، موسسه دار الهجره ۱۴۰۹ق، چاپ اول.
۱۸. مهدی، علیزاده، مبنای حسن نیت و رفتار منصفانه، در قرار دادها، الهیات و حقوق، تابستان، ۱۳۸۴، شماره ۱۵-۱۶.
۱۹. ناصر، کاتوزیان، قواعد عمومی قرار دادها، تهران، انتشارات به شهر، ۱۳۶۹.